

چندی پیش هنگام نوشتن مقاله «اختر، احمدیگ گرجی» (د ۱۳۳۲ ق)، جهت درج در دائرة المعارف بزرگ اسلامی^۱، موضوعی به نظر آمد درباره این شاعر و یکی دیگر از شاعران همعصرش به نام فاضل خان گروسی (د: ۱۲۵۲ ق) که به آثار این دو تن یعنی «تذکره اختر» و «تذکره انجمن خاقان» مربوط می‌شد. موضوعی که مرحوم خیامپور نیز سالها قبل، اشارهای گذرا بدان کرده بود^۲ اخیراً با چاپ «تذکره انجمن خاقان»، فرصتی مناسب فراهم آمد تا مطلب مورد نظر، این بار به تفصیل مطرح گردد.

این موضوع درباره استفاده فاضل خان گروسی از «تذکره اختر» می‌باشد. حقیقت این است که فاضل خان، قسمت اعظم این تذکره را به عنوان «انجمن چهارم» در تذکره خود درج کرده است. این موضوع اگرچه امری است عادی و رایج در میان تذکره‌نویسان، اما آنچه مهم است و قصد بحث درباره آن را داریم، چگونگی بدست آوردن «تذکره اختر» از سوی فاضل خان، سپس شکل استفاده از آن و نهایتاً بی‌ارزش جلوه دادن این اثر از طرف وی است.

پیش از ورود به این بحث باید درباره فاضل خان و تذکره او بدانیم که وی در سنین جوانی به پایمردی ملک الشعراء صبا، به دربار قاجار راه یافت و خیلی زود توانست مقرب و همشین فتحعلیشاه گردد. به گونه‌ای که از طرف شاه، لقب «فاضل خان» و منصب «جارچی باشی» به وی واگذار شد. او در سال ۱۲۳۴ ق، به فکر جمع‌آوری تذکراهی درباره احوال و اشعار شاعران همعصر خویش افتاد و انگیزه خود را از تدوین تذکراهش، چنین بیان داشت: «کثرت شعرا و ادبا و تعدد دفاتر و دواوین، اقتضای آن کرده که صرافیه بصیر و نقادی خبیر» مجموعه‌ای فراهم آورد که «شایسته نثار پیشگاه حضرت ظل سبحانی و در خور تحفه حضور فرخنده صاحبقرانی داند تا به گاه دیدن و شنیدن، نظر اشرف و سمع اقدس را لمح حشو کتب و قرع لثو صحف رنجه ندارد، به یک رشته درکشد و به یک دفتر آورد... مجملأ سالها این تألیف ناکرده بمانده و این مجموعه در پرده،

تا سال یکهزار و دویست و سی و چهار که حضرت صاحبقران را به ترتیب این دفتر و تألیف این مختصر، مشیت جاری و اراده نافذ، متعلق گشت و متوجه شد کتاب درگاه خلافت چون بعضی را رفعت پایه و برخی را عدم مایه، فوجی را کثرت مناعت و جمعی را قلت بضاعت، رخصت تصدی و اجازت تصرف در این خدمت نمی‌داد، به تشخیص مخدوم اعظم معتمدالدوله، این هندوی خانه‌زاد ترکی نژاد و بنده حبشی نهاد عجمی میلاد، محمّد مدعو به فاضل متخلص به راوی، من صنف قذ استهدف را نشانه سهام صایبه آمد»^۳. بدین ترتیب فاضل خان در سال ۱۲۳۴ ق، ظرف مدت پنج ماه تذکراهی فراهم آورد و آن را پیشکش فتحعلیشاه نمود. تذکراهی شامل چهار انجمن و یک خاتمه.

– انجمن اول: در ذکر مجملی از نسب قاجاریان وقایع شهریاری فتحعلیشاه و گزیده‌ای از اشعار او
– انجمن دوم: در احوال و اشعار بزرگ زادگان قاجار
– انجمن سوم: در حسب و نسب شاعرانی که به درگاه فتحعلیشاه راه یافته‌اند

– انجمن چهارم: در ذکر شاعران سایر بلاد
– خاتمه: در احوال و اشعار مؤلف

فاضل خان در جمع و تدوین این تذکره تا آن جا که به احوال و اشعار فتحعلیشاه، شاهزادگان قاجار و شاعران دربار مربوط می‌شد (انجمن اول، دوم و سوم) به خوبی از عهده برآمده و مجموعه‌ای نسبتاً جامع از سرایندهان دربار قاجار که شمارشان به شصت تن می‌رسید، فراهم آورد. دلیل چنین امری به خوبی پیداست زیرا او سالها با این افراد دوستی و همشینی داشته و حاصل این آشنائی را در تذکره خود انعکاس داده است. انجمن چهارم نیز از کیفیتی مطلوب و حتی همپراز و همسنگ با سه انجمن دیگر برخوردار است. اما انجمن چهارم را به هیچ عنوان نمی‌توان از تراوشات فکر و قلم فاضل خان محسوب داشت زیرا او هیچگاه قادر نبوده است، ظرف مدت پنج ماه، با یکصد تن از شاعران بلاد مختلف ایران مانند یزد، اصفهان، شیراز و خراسان نشست و برخاست کرده و احوال و اشعار آنها را از زبان خودشان شنیده و سپس به عنوان «انجمن چهارم» در تذکراهش درج نماید.

در این جا ممکن است گفته شود که وی پیش از تدوین تذکره خود و طی سالیان، با شاعران مختلف

(به بهانه چاپ تذکره انجمن خاقان)

فاضل خان گروسی و تذکره اختر

ایران مجالست داشته و حاصل این همشینی را در تذکره خود مندرج ساخته است. در رد این نظر باید گفت که چنین امری تقریباً محال است زیرا وی در سنین جوانی به دربار قاجار راه یافت و تقریباً قسمت اعظم عمرش را در این مکان سپری کرد و هیچگاه فرصت کافی بدست نیاورد تا به شهرهای بسیاری که در «انجمن چهارم» نامشان آمده است، سفری داشته باشد و با شاعران آن بلاد صحبت و همشینی کند.

بر این اساس، سؤال اصلی همچنان مطرح می‌ماند که «انجمن چهارم» از کجا و چگونه به «تذکره انجمن خاقان» راه یافته است؟ برای پاسخ به این پرسش، باید اندکی به عقب یعنی پیش از زمان تألیف انجمن خاقان بازگشت و نگاهی بیندازیم به زندگی تذکره‌نویس دیگری که همان احمدیگ گرجی متخلص به اختر باشد. وی که در نظم و نثر و خط شکسته، مهارتی به سزا داشت، همزمان با جلوس فتحعلیشاه، به خدمت یکی از شاهزادگان قاجار یعنی سلیمان خان درآمد. اما اندکی بعد از دستگاه وی رانده شد. او مدت دوسال در شهرها و مناطق بسیاری مانند اصفهان، شیراز، خراسان، تهران و یزد به سیر و سفر پرداخت و با سرایندهان آن بلاد، نشست و برخاست کرد و سرانجام اصفهان را برای اقامت برگزید. اختر در سال ۱۲۲۵ ق، به فکر تألیف تذکره خود افتاد و در پی آن، حاصل مجالست دوساله خود را با شاعران مختلف، در مجموعه‌ای وزین فراهم آورد^۴. او ظاهراً تألیف این مجموعه را در سال ۱۲۲۷ ق، به مرحله قابل قبولی رسانده بود، زیرا در این سال تصمیم داشت اثر خود را به فتحعلیشاه پیشکش کند که به دلایل نامعلومی بدین امر موفق نمی‌شود^۵.

در سال ۱۲۳۲ ق، اختر در اصفهان درگذشت. پس از مرگ او، برادرش محمد باقریگ متخلص به نشاطی، تذکره وی را به تهران آورد تا آن را به شاه قاجار عرضه دارد. او برای این منظور متوجه «جارچی باشی» دربار فتحعلیشاه یعنی فاضل خان می‌شود تا به وساطت او،



تذکره را بدست شاه برساند. اما این زمان (۱۲۳۳ ق)، مرگ او نیز در تهران فرامی‌رسد و تذکره اختر بلاصاحب می‌ماند.

درباره تاریخ مرگ محمد باقر بیگ، باید اندکی تأمل داشت. زیرا این حادثه درست در سالی اتفاق افتاد (۱۲۳۳ ق) که فاضل‌خان مشغول تهیه تذکره‌ای مشتتمل بر احوال و اشعار فتحعلیشاه، شاهزادگان قاجار و شاعران دربار بود. او در این زمان ناگهان تذکره‌ای در اختیار می‌یابد بدون صاحب که ضمناً مکمل اثر وی نیز محسوب می‌شد و دایره کار او را از شاعران دربار قاجار به سرایندگان سراسر ایران بسط می‌داد. فاضل‌خان از این پیشامد نهایت استفاده را می‌برد و برای درج مناسب این تذکره، به بررسی دقیق آن می‌پردازد و سپس از مجموع یکصد و بیست و نه ترجمه احوال شاعران، یکصد ترجمه آن را برمی‌گزیند و با تفسیراتی در نثر کتاب و نقل کامل نمونه‌های شعری، به همراه شانزده ترجمه جدید، مجموعاً بخش تازه‌ای تحت عنوان «انجمن چهارم» به تذکره خود می‌افزاید.

فاضل‌خان با وجود استفاده کامل از تذکره اختر، سعی نمود تا ماجرا را به شکلی دیگر جلوه دهد و وانمود سازد که این تذکره پایه و مایه علمی لازم را برای نقل در تذکره‌ای دیگر نداشته است و اوراق آنها، تنها به مصرف «کاغذ توتیا و ظرف حنا» رسیده و او هیچ‌گونه بهره‌ای از آن نبرده است. وی ابتدا در مقدمه تذکره خود، به اشاره‌ای غیرمستقیم بسنده نموده است و در ظاهر از مؤلفین دوره فتحعلیشاه ولی در باطن از احمد بیگ گرجی که سعی داشته است تذکره‌ای جامع از شاعران همعصر خویش فراهم آورد، این چنین یاد کرده است: «سالیان دراز هرکس این هوس همی بیخت و این سودا همی برد که مگر ستاره این دولت و قرعه این سعادت، شبی به نام او گراید و روزی به نام او برآید. تهی دستی چند، حنظل شکر پنداشته...»^۱ پس از آن فاضل‌خان در ترجمه احوال احمدبیگ و برادرش محمدباقر بیگ، عنان از کف بداده و با تندوی به این دو برادر و تذکره‌ای که حاصل عمر آنها بوده است، حمله‌ور شده و این چنین از آنها یاد کرده است: «احمد بیگ... به تدارک جمع و تألیف تذکره معاصرین افتاد و الحق در جمع اشعار و ضبط اسامی، کمال سعی مبذول داشت. اگرچه در انتخاب شعر و نگارش احوال نه بر وجه صواب کارکرد،

صورت اتمام نیافته، مهلت به انجام رسید. برادر کمترش محمد باقر بیگ، نشاطی تخلص که ذکرش خواهد آمد، اتمام کتاب و انجام کار برادر را همتی گماشت. چون خود مرد قلیل البضاعة بود، از عهده برنیامد متوسل به کتاب درگاه جهان پناه خسروی شده تا در نگارش احوال و انتخاب اشعارش یاری کنند. آن نیز در دارالخلافه به نحوی که در احوالش مسطور خواهد بود، درگذشت. به اعتقاد فقیر، مؤسس و متمم را هیچ یک پایه و مایه، آن نبود که از عهده فهم کلام معاصرین کماهو حقه برآیند تا به جرح و تعدیل و نقد و تزهیف چه رسد. اللهم تا آن اجزاء بی‌معنی و دفتر ابتر به کجا کاغذ توتیا شد و ظرف حنا...^۲ فاضل‌خان در ادامه می‌افزاید: «محمد باقر بیگ... در سال تحریر این خجسته تألیف به دارالخلافه آمده، اتفاق ملاقات افتاد. جوان خوش خلق صافی مشرب آدمی وشی بود. اندک در کار عبادات قلیل المیالات یافتمش و معاذالله به یوم معاد ضعیف الاعتقاد، به نحوی که در احوال برادرش اختر مذکور شد، چند جزو از تذکره مصنف برادر را عرضه اسنای دولت داشت. با عدم قبول به جوایز حضرت صاحبقران ممتاز از اقران گشته...»^۳

گمان می‌رود با طرح این موضوع، پاسخ سئوالی را که در طول مقاله چندبار تکرار شده است، به وضوح داده باشیم. سئوالی که درباره مؤلف اصلی بخش چهارم تذکره انجمن خاقان و نیز چگونگی بدست آوردن این بخش از سوی فاضل‌خان است. در پایان لازم است با نقل ترجمه احوال یکی از شاعران این دوره یعنی میرزا فتح الله جناب از تذکره‌های اختر و انجمن خاقان، مقایسه‌ای میان این دو اثر صورت گیرد تا میزان تفاوت اندکی که بین آنها وجود دارد، آشکار گردد. گفتنی است که این مقدار تفاوت، میان همه مطالب تذکره اختر و انجمن چهارم تذکره خاقان دیده می‌شود.

تذکره اختر

«جناب اسمش میرزا فتح الله. ساکن قریه خوران من بلوکات اصفهان. گویند نسبش به امیرنجم ثانی می‌رسد. در بدو حال به هندوستان رفته و سامانی فراهم آورده، مراجعت به وطن نموده، به خدمات دیوانی مشغول بوده. چندی کلانتری اصفهان نیز کرده. در اواخر دولت نادری و به حکم او شهید شده. باری در مراتب

شعری به نظم قصیده مایل و در این فن شعرای عهد به فصاحتش قایل، خیالاتش به علت عدم تدوین در میان نیست. از این قلیلی که به نظر رسیده، می‌توان یافت که شاعر درستی بوده. به سیاق فصحای سلف شعر می‌گفته. از خیالات اوست که مسطور می‌گردد...»^{۱۲}

تذکره انجمن خاقان

«جناب. معروف به میرزا فتح الله از قریه جوزان من اعمال اصفهان است. گویند نسبش به امیرنجم ثانی منتهی می‌شود. در بدو حال و آغاز جوانی، سفر هندوستان کرده. از بزرگان هند مایه معیشتی یافته به وطن مأثوف مهاجرت نموده و خدمات دیوانی و کلانتری دارالسلطنه اصفهان سربلندی حاصل کرده. در اواخر دولت نادرشاه افشار به حکم مطالبه آلاف گزاف و مؤاخذه و جوه اجحاف، مرتبه شهادت دریافته. در قصیده‌گویی طبعی وقاد داشته به سبب عدم ضبط و تدوین از اشعارش کمتر در میان است. از این ابیات که بر زبان روان است، می‌توان دانست که طبع پخته و تتبع کاملی داشته...»^{۱۳}

پانوشتها

- ۱- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۵، ۱۶۳/۷.
- ۲- [مقدمه] تذکره اختر، به کوشش عبدالرسول خیامپور، تبریز، ۱۳۲۳، و-ز.
- ۳- تذکره انجمن خاقان، با مقدمه دکتر توفیق سبحانی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۴- همانجا، ۳-۴.
- ۵- «اختر، احمدبیگ گرجی»، علی میرانصاری، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۶۳/۷.
- ۶- [مقدمه] تذکره اختر، ج.
- ۷- «اختر، احمدبیگ گرجی»، ۱۶۳.
- ۸- تذکره انجمن خاقان، ۴۵۰-۴۶۴.
- ۹- همانجا، ۳.
- ۱۰- همانجا، ۴۶۴-۴۶۵.
- ۱۱- همانجا، ۶۲۹.
- ۱۲- تذکره اختر، ۴۵.
- ۱۳- تذکره انجمن خاقان، ۴۸۲.



علی میرانصاری